

روی موج کوتاه

سخنگوی ستاد تشییع:

پیکر رهبر شهید تا کنون نه به خاک

سپرده شده و نه به ودیعه دفن شده‌است

در پی شائبه‌های ایجادشده در مورد نحوه نگهداری پیکر رهبر شهید و ادعای به ودیعه دفن شدن این پیکر در حرم حضرت معصومه در قم، ایمان عطارزاده، سخنگوی ستاد تشییع رهبر شهید توضیحاتی در این خصوص ارائه کرد.
ایمان عطارزاده با انتشار پیامی در شبکه ایکس اعلام کرد:
نوست: برای اولین بار اعلام می‌کنیم که پیکر مطهر امام شهیدمان و اعضای خانواده شهیدششان، در کمال تکریم و مراقتی که انجام شده با رعایت موازین شرعی و قانونی تاکنون محافظت شده و پیکر ها نه به خاک سپرده شده و تدفین نشدند و به امانت هم به ودیعه گذاشته نشدند.

□□□□

عراچی هشدار داد

نامه ایران به شورای امنیت در پی تهدید رهبر انقلاب توسط اسرائیل

در پی تهدید رهبر انقلاب توسط اسرائیل، ایران نامه ای به شورای امنیت ارسال کرد.به گزارش جماران، نماینده دائم ایران در سازمان ملل در نامه‌ای رسمی به دبیر کل و رئیس شورای امنیت،نسبت به تهدید علنی رهبر جمهوری اسلامی ایران توسط وزیر جنگ اسرائیل به شدت هشدار داد.عباس عراقچی، وزیر خار چه نیز در واکنش به اظهارات وزیر دفاع اسرائیل در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «مفاد تفاهم‌نامه اسلام‌آباد کاملاً روشن است و همه می‌توانند آن را ملاحظه کنند.رئیس‌جمهور آمریکا،ایالات متحده را متعهد کرده است که این جانور دست‌آموز خود در تل آوی لو را مهار کند.» وی افزود: «اگر آنها از فرمان ارباب خود سرپیچی می‌کنند،ایران به آنهاذرات لازم را خواهد‌داد.هر گونه تهدید علیه مردم و رهبری ما با پاسنخی فوری و قدرتمند مواجه خواهد شد.»

□□□□

ترامپ:

اوضاع در راستای خلع سلاح هسته‌ای ایران در حال پیشرفت است

رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به سوالی در مورد احتمال از سرگیری عملیات علیه ایران ادعا کرد:اوضاع در راستای خلع سلاح هسته‌ای ایران به‌طور مثبت در حال پیشرفت‌است.به گزارش ایرنا، ترامپ، در تناقض گویی جدید از یکسو مدعی پیشرفت در مذاکره با ایران شد و از سوی دیگر از وارد کردن ضربات قوی به ایران دم زد. دونالد ترامپ به‌موضع گیری درباره ایران پرداخت ومدعی شد:جلسه‌بسیار خوبی باطرف ایرانی داشتم.ایران گام‌های مهمی در زمینه توافق برداشته است. وی ادعا کرد: ما در مسیر خلع سلاح هسته‌ای ایران گام‌های مهم داریم.همه‌ما از افزایش بازارهای انسبام و مالی و کاهش قیمت نفت و پایین آمدن قیمت‌های بخش‌های خرده‌فروشی سود می‌بریم.

□□□□

دو ناو آمریکا با ۲۲۰۰ تفتنگدار

عازم خاورمیانه شدند

سنتکام رسماً اعلام کرد دو ناو آبی-خاکی آمریکا، باکسر و پورتلند شامل ۲۲۰۰ تفتنگدار دریایی در حال حرکت به سمت خاورمیانه هستند. سنتکام با انتشار پیامی در شبکه اکس اعلام کرد ناو هواپیمابر یواس اس باکسر (LHD4) و ناو هواپیمابر یواس اس پورتلند (LPD27)، ۳۰ ژوئن ۲۰۲۶، در حال عبور از اقیانوس هند به سمت خاورمیانه هستند. گروه آماده آبی-خاکی باکسر (ARG) و یازدهمین واحد اعزامی تفتنگداران دریایی در حال حاضر به عنوان بخشی از یک استقرار برنامه‌ریزی شده در خاورمیانه فعالیت می‌کنند. ناو هواپیمابر یواس اس کامستاک (LSD45) که در اوایل ماه مه به منطقه رسید، در گروه آماده آبی-خاکی باکسر قرار دارد.

□□□□

عضو هیأت رئیسه مجلس درباره خرید گندم از آمریکا:

۵ قران بیشتر می‌دهیم،

اما از آمریکانمی‌خریم

عضو هیأت رئیسه مجلس باانتقاد برخی اظهارات درباره خرید کالا از آمریکا بر اساس قیمت، تأکید کرد که حتی اگر این کشور گندم ارزان‌تر هم عرضه کند، ایران نباید از آمریکا خرید کند.قران بیشتر می‌دهیم، اما از آمریکا نمی‌خریم زیرا «ن باید پول به جیب قاتلان رهبر شهید انقلاب ریخته شود.» به گزارش خبرآنلاین، منتقدان آزاد، در اظهاراتی باانتقاد از دیدگاه‌هایی که مملک خرید کالا را صرف‌اقیمت می‌دانند، گفت: «حتی اگر آمریکا گندم را به ما از زن تهر بفروشد، نباید از این کشور خرید کنیم.» وی در برنامه زنده شبکه‌افق با اشاره به برخی اظهارات مسئولان درباره خرید کالا از هر کشوری که قیمت پایین‌تری ارائه دهد، اظهار داشت: «پنکه بگویم هر کس از زان تر فروخت، از او خرید می‌کنیم، پاسخ درستی نیست، ما با کشوری مواجه هستیم که دشمنی خود را با ملت ایران نشان داده‌است.»

□□□□

بازداشت شهردار ایلام به اتهام فساد مالی

روابط عمومی دادستانی مرکز ایلام از بازداشت شهردار ایلام به دلیل اتهامات مالی خبر داد. شهردار ایلام با حکم قضایی و در پی برخی اتهامات مالی و سوءمدیریت بازداشت شده و برای وی پرونده‌ای در یکی از شعب دادسرای ایلام تشکیل شده‌است. به گزارش روابط عمومی دادستانی مرکز استان ایلام، این پرونده با دستور مقام قضایی و در چارچوب رسیدگی به اتهامات مطروحه در حال بررسی است و روند رسیدگی مطابق ضوابط قانونی در حال انجام است.

□□□□

امیر قطر با فرستادگان آمریکا

درباره ایران گفتگو کرد

دیوان امیری قطر در بیانیه‌ای اعلام کرد که امیر قطر در دفتر خود در کاتووسیل، با ویتکاف و کوشنر درباره مذاکرات ایالات متحده و ایران و تحولات لبسان گفتگو کرد. در این بیانیه آمده است: در این دیدار، آخرین تحولات منطقه، به ویژه پیشرفت مذاکرات بین ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران در چارچوب یادداشت تفاهم بین دو طرف، بررسی شد. همچنین وضعیت قضایی و در چارچوب بحث قرار گرفت و بر اهمیت تثبیت آتش بس به گونه‌ای که وحدت، حاکمیت و ثبات لبنان را حفظ کند، تأکید بند. امیر قطر اعلام کرد که دو حه، با همکاری اسلام‌آباد، به تلاش‌های میانجیگری خود ادامه خواهد داد و از تمام مسیرهای مذاکرات ناشی از یادداشت تفاهم حمایت خواهد کرد.

قطع گفت‌وگوی رئیس مجلس از رسانه ملی، اختلاف جریان حاکم بر سر روایت تفاهم را عیان کرد؛

نمایش یک شکاف عمیق روی آتین زنده



نهاد فرخی

آن چه شامگاه سه‌شنبه در شبکه خبر

رخ داد، اگر تنها به عنوان «قطع یک برنامه تلویزیونی» روایت نشود، بخش مهمی از واقعیت نادیده گرفته شده‌است. موضوع این بود که گفت‌وگویی که تا ساعت‌ها قبل ضبط، تدوین و تحویل صداوسیماشده بود، دقیقاًدر نقطه‌ای متوقف شد که محمدباقر قالیباف وارد توضیح درباره مهم‌ترین موضوع سیاسی واقتصادی این روزهای کشور می‌شد؛ یعنی تفاهم اسلام‌آباد، نحوه آزادسازی دارای‌های بلو که‌شده ایران، سازو کار فروش نفت و واقعیت‌های پیچیده دیپلماسی در دوران تحریم.

این اتفاق، صرفاً یک تصمیم رسانه‌ای نبود؛ یک تصمیم سیاسی بود. تصمیمی که پرش‌های مهمی را پیش‌روی افکار عمومی قرار داد؛ که اگر این سخنان قابل انتشار نبود، چرا اساساً مصاحبه ضبط شد؟ و مهم‌تر از همه، چگونه است که مخالفان تفاهم و مذاکره، بارها و بارها بدون محدودیت از رسانه ملی تریبون می‌گیرند، اما وقتی نوبت به رئیس‌هیأت مذاکره کننده کشور می‌رسد، آنتن ناگهان خاموش می‌شود؟

شاید مهم‌ترین پیام این ماجرا، نه درباره تفاهم قالیباف، بلکه درباره تغییر بی‌پاشد که در مناسبات قدرت درون جریان اصولگرا رخ داده است؛ تغییری که نشان می‌دهد مرزهای حذف، دیگر از اصلاح‌طلبان و منتقدان عبور کرده و به درون اردوگاه خودی‌ها رسیده‌است.

یک «قطع ناگهانی»

یا تصمیمی از پیش طراحی شده؟

ساعتی پس از پایان برنامه، مرکز رسانه مجلس با انتشار اطلاعیه‌ای، روایت متفاوتی از آن چه رخ داده بود ارائه کرد و مشخص شد برخلاف تصور اولیه، گفت‌وگوی رئیس مجلس زنده نبود؛ این برنامه بیش از دو ساعت پیش از زمان پخش، به صورت کامل در اختیار مسئولان صداوسیما قرار گرفته بود و بنابراین، قطع برنامه نه نتیجه خطای فنی و نه محصول تصمیمی لحظه‌ای در اتاق فرمان بود و همین نکته، اهمیت ماجرا را دوچندان می‌کند.

مدیران رسانه ملی، از محتوای گفت‌وگو اطلاع‌داشتند، فرصت بررسی آن را داشتند و بااین‌حال، تصمیم گرفتند برنامه را نقطه‌ای مشخص پخش و سپس متوقف کنند؛ تصمیمی که نه تنها عرف حرفه‌ای رسانه را زیر سؤال برد، بلکه این تصور را تقویت کرد که بخشی از سخنان رئیس مجلس، آگاهانه و به تصمیم‌مدیریتی حذف شده‌است.

مرکز رسانه مجلس نیز در اطلاعیه خود تصریح کرد اگر مسئولان سازمان تصمیم به حذف بخشی از مصاحبه داشتند، دست کم باید این موضوع را با تهیه کنندگان برنامه هماهنگ می‌کردند؛ نه این‌که در میانه پخش، برنامه را ناگهان متوقف کنند و میلیون‌ها بیننده را با بررسی بی‌پاسخ رها سازند.

گزارش

نوع‌نویسی

toseeirani.ir

شماره ۲۲۱۶ / پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۵ / ۱۷ محرم ۱۴۴۸ / ۲ جولای ۲۰۲۶

به صداوسیما حذف یا محدود کردن صدای منتقدان بیرون از حاکمیت بود، امروز ماجرا وارد مرحله‌ای تازه شده؛ مرحله‌ای که در آن، اختلاف بر سر روایت به درون جریان اصولگرا نیز کشیده شده‌است.

قطع گفت‌وگوی رئیس مجلس را از همین زاویه باید خواند. این اتفاق بیش از آن که اختلافی شخصی میان مدیران صداوسیما و محمدباقر قالیباف باشد، نشانه‌ای از رقابت دو نگاه متفاوت در درون یک‌ار دو‌گانه سیاسی است؛ یک نگاه که اداره کشور را در گرو پذیرش واقعیت‌های اقتصادی، استفاده از ظرفیت دیپلماسی و مدیریت هم‌زمان میدان و مذاکره می‌داند و نگاه دیگری که همچنان هر گونه سخن گفتن از سازو کارهای توافق، تحریم، مجوزهای بین‌المللی یا مصالحه سیاسی را عقب‌نشینی از گفتمان مطلوب خود تلقی می‌کند.

شاید به همین دلیل باشد که در ماه‌های اخیر، هر بار موضوع تفاهم اسلام‌آباد، آزادسازی منابع مالی، فروش نفت یا روند مذاکرات مطرح شده، شاهد روایت کاملاً متفاوت در رسانه‌ها بوده‌ایم؛ دو روایتی که نه از سوی دو جناح سیاسی کلاسیک، بلکه از درون یک جریان سیاسی احاد ارائه شده‌اند. در چنین شریاطی، حذف بخشی از سخنان رئیس مجلس، صرفاً حذف چند دقیقه تصویر نیست؛ نشانه‌ای است از این‌که رقابت بر سر «روایت رسمی» به یکی از مهم‌ترین میدان‌های منازعه سیاسی تبدیل شده‌است.

حضور در برنامه‌های مختلف صداوسیما را پیدا کرد. هانسد. برخی نمایندگان مجلس و چهره‌های نزدیک به جریان رادیکال، بدون محدودیت دیدگاه‌های خود را درباره مذاکرات، توافق، سیاست خارجی و عملکرد دولت مطرح کردند.

از جمله، سخنان انتقادی برخی نمایندگان درباره تفاهم اسلام‌آباد، آزادسازی منابع مالی یا حتی زیر سؤال بردن برخی مفاد توافق، بارها از شبکه‌های مختلف صداوسیما پخش شد و نه تنها حذف نشد، بلکه در مواردی به محور اصلی برنامه‌ها نیز تبدیل شد. در چنین شریاطی و افکار عمومی با پرش‌سی طبیعی روبه‌روست؛ اگر نقد توافق، مذاکره و دیپلماسی، از ادانه از رسانه ملی پخش می‌شود، چرا دفاع از همان روند، از هم از زبان رئیس مجلس و رئیس هیأت مذاکره کننده، باید مشمول سانسور شود؟

اگر معیار، حفظ منافع ملی است، این معیار باید در درباره همه روایت‌ها یکسان اعمال شود؛ و اگر قرار است رسانه ملی عرصه گفت‌وگو باشد، حذف یکی از دو روایت نه تنها کمکی به افتاح افکار عمومی نمی‌کند، بلکه شائبه جانبداری سیاسی را نیز تقویت می‌کند و شاید همین جاست که موضوع از یک اختلاف رسانه‌ای فراتر می‌رود و به نشانه‌ای از شکافی عمیق‌تر در درون جریان حاکم تبدیل می‌شود؛ شکافی که دیگر تنها در جلسات پشت درهای بسته باقی نمانده و حالا خود را بر صفحه تلویزیون رسمی کشور نیز نشان می‌دهد.

نشانه‌ای از شکافی عمیق‌تر در درون جریان حاکم

اما در این میان شاید مهم‌ترین پرسشی که پس از این ماجرا در فضای سیاسی و رسانه‌ای مطرح شد، همین باشد. در ماه‌های گذشته، مخالفان تفاهم اسلام‌آباد و منتقدان روند مذاکرات، بارها فرصت

مجلس با انتشار اطلاعیه‌ای، روایت متفاوتی از آن چه رخ داده بود ارائه کرد و مشخص شد برخلاف تصور اولیه، گفت‌وگوی رئیس مجلس زنده نبود؛ این برنامه بیش از دو ساعت پیش از زمان پخش، به صورت کامل در اختیار مسئولان صداوسیما قرار گرفته بود و بنابراین، قطع برنامه نه نتیجه خطای فنی و نه محصول تصمیمی لحظه‌ای در اتاق فرمان بود و همین نکته، اهمیت ماجرا را دوچندان می‌کند.

مدیران رسانه ملی، از محتوای گفت‌وگو اطلاع‌داشتند، فرصت بررسی آن را داشتند و بااین‌حال، تصمیم گرفتند برنامه را نقطه‌ای مشخص پخش و سپس متوقف کنند؛ تصمیمی که نه تنها عرف حرفه‌ای رسانه را زیر سؤال برد، بلکه این تصور را تقویت کرد که بخشی از سخنان رئیس مجلس، آگاهانه و به تصمیم‌مدیریتی حذف شده‌است. مرکز رسانه مجلس نیز در اطلاعیه خود تصریح کرد اگر مسئولان سازمان تصمیم به حذف بخشی از مصاحبه داشتند، دست کم باید این موضوع را با تهیه کنندگان برنامه هماهنگ می‌کردند؛ نه این‌که در میانه پخش، برنامه را ناگهان متوقف کنند و میلیون‌ها بیننده را با بررسی بی‌پاسخ رها سازند.

مدیران رسانه ملی، پیش از آنکه رسانه یک‌پازمان باشد، رسانه مردم است. اعتبار چنین رسانه‌ای نه با تعداد فرستنده، بلکه با میزان اعتماد مخاطبان سنجیده می‌شود. اعتماد نیز با سکوت در برابر اتهام به‌دست نمی‌آید؛ باید پاسخ‌گویی به‌دست می‌آید. قطع شدن یک برنامه تلویزیونی شاید چند دقیقه بیشتر طول نکشیده باشد، اما اگر درباره آن توضیحی قانع کننده ارائه نشود، اثر آن بر اعتماد عمومی بسیار ماندگار تر از همان چند دقیقه خواهد بود.

وقتی تصویر قطع می‌شود؛ مسؤل پاسخ‌گویی به افکار عمومی کیست؟

حذف، سانسور یا کنترل روایت را ایجاد کند، نتیجه‌ای معکوس خواهد داشت. تجربه نشان داده است که در عصر شبکه‌های اجتماعی، حذف یک روایت به معنای حذف پرش نیست؛ بلکه تنها به گسترش گمانه‌زنی، شایعه و بی‌اعتمادی دامن می‌زند. مردم امروز بیش از هر زمان دیگری به دنبال پاسخ‌سخت و سکوت نهادهای رسمی، معمولاً با روایت‌های غیر رسمی بر می‌شود. از همین رو، انتظاری مردم در بیان سازمان صداوسیما درباره این اتفاق توضیحی شفاف، مستند و صریح ارائه کنند؛ اگر برنامه به دلایل فنی قطع شده، باید مستندات آن اعلام شود. اگر تصمیمی مدیریتی در میان بوده، افکار عمومی حق دارد بداند این تصمیم بر چه مبنای قانونی اتخاذ شده و مسئولیت آن با چه شخص یا نهادهای است.

رسانه ملی، پیش از آنکه رسانه یک‌پازمان باشد، رسانه مردم است. اعتبار چنین رسانه‌ای نه با تعداد فرستنده، بلکه با میزان اعتماد مخاطبان سنجیده می‌شود. اعتماد نیز با سکوت در برابر اتهام به‌دست نمی‌آید؛ باید پاسخ‌گویی به‌دست می‌آید. قطع شدن یک برنامه تلویزیونی شاید چند دقیقه بیشتر طول نکشیده باشد، اما اگر درباره آن توضیحی قانع کننده ارائه نشود، اثر آن بر اعتماد عمومی بسیار ماندگار تر از همان چند دقیقه خواهد بود.

مصاحبه منتشر نبود، این تصمیم باید پیش از آغاز پخش اتخاذ می‌شد، نه در نقطه‌ای که دقیقاً موضوعی حساس در حال طرح شدن است. همین مسئله، افکار عمومی را به این پرسش می‌رساند که چه تصمیمی، از سوی چه مرجعی و بااستناد به چه ضابطه‌ای موجب توقف برنامه شده‌است؟

پرش مهم‌تر اما به جایگاه شخصی بازمی‌گردد که سخنانش تا نام ماند. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی است؛ یکی از سه مقام عالی کشور و از چهره‌های اثرگذار در تصمیمات کلان. اگر چنین مقلمی نیز نتواند از طریق رسانه رسمی کشور، بدون واسطه و بدون قطع شدن سخنانش با مردم گفت‌وگو کند، این پرسش پیش می‌آید که اساساً رسانه ملی خود را در برابر چه کسی پاسخ‌گویی داند؟

موضوع دفاع از یک فرد یا یک جریان سیاسی نیست، مسئله، دفاع از یک اصل است؛ اصل حق مردم برای شنیدن مستقیم سخنان مسئولان. ممکن است مخاطب با گفته‌های رئیس مجلس موافق باشد یا مخالف، اما این حق را دارد که سخنان او را کامل بشنود و سپس قضاوت کند، نه اینکه قضاوتش بر پایه روایتی ناقص یا تفسیری نامناسب شکل بگیرد.

در شریاطی که «جهاد تبیین» افزایش سرمایه اجتماعی و «اعتماد عمومی» سخن گفته می‌شود، هر اقدامی که شائبه

طنز تلخ و شاید هم مسخره روزگار:

وقتی این بشر سفارش ناشتایی «فتح واشنگتن» می‌دهد!

این سادگی است چرادر یگران «بروند» و واشنگتن را فتح کنند؟ شما خود جلو بیاف و با همان دار و دسته‌ای که از دیوار سفارت انگلیس بالا رفتند و سفارت عربستان را آتش زدند، برو واشنگتن را بگیر! اگر هم میسر نیست، حرف مفت زن و به «ضرب زید عمرا» خودت مشغول باش که بسیار بیش از بلیت خودت به کشور آسیب زده‌ای.

با یکی دیگر از هنندگان نشان از یکی از تجمعات شش‌ماهه گفته‌است که باید به جای مذاکره، انتقام خون رهبر شهید و سایر شهدا را از آمریکا بگیریم و در ادامه گفته است که کجا یاند آن جوان‌هایی که بعد از فتوای امام خمینی (ره) برای قتل سلمان رشدی مرتد، از ایران ولینان و جاهای دیگر راهی شدند تا حکم را اجرا کنند؟

می‌بینید؟ ای یکی هم در وسط یا تخت و در امن و امان، برای دشمن رجز می‌خواند ولی وقتی می‌خواهد در باره اجرای رجزهایش حرف بزند، می‌گوید کجا هستند جوان‌هایی که «بروند» و انتقام بگیرند؟ و نمی‌گوید خودم به عنوان منتقم خون شهدا، می‌روم تا اثر هم را بکشم و اگر هم نتوانم شهید شوم.

این جماعت تا بن دندان مدعی و پر رو و کنار گود نشسته که در جنگ‌های ۱۲ و ۴۰ روزه، در کنج عقبی بودند و چه می‌داند منفرج شدن لانچر و موشک خوردن پدافند و تکه تکه شدن بر سفل فداکاران‌ها چیست؟ آنها و امثالشان حتی نمی‌فهمند هدف قرار گرفتن ناو و گیر افتادن بین آتش دشمن و غرق شدن در آب‌های اقیانوس چه سخت و

شماره ۲۲۱۶ / پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۴۰۵ / ۱۷ محرم ۱۴۴۸ / ۲ جولای ۲۰۲۶

ساعتی پس از قطع برنامه، مرکز رسانه مجلس با انتشار اطلاعیه‌ای، روایت متفاوتی از آن چه رخ داده بود ارائه کرد
و مشخص شد برخلاف تصور اولیه، گفت‌وگوی رئیس مجلس زنده نبود؛ این برنامه بیش از دو ساعت پیش از زمان پخش، به صورت کامل در اختیار مسئولان صداوسیما قرار گرفته بود

جایگاهی ویژه در نظر گرفته‌است؛ جایگاهی که بر اساس آن، این سازمان باید در خدمت منافع عمومی و بازتاب‌دهنده دیدگاه‌های مختلف در چارچوب قانون باشد. طبیعی است که هیچ رسانه‌ای نمی‌تواند همه دیدگاه‌ها را بدون محدودیت پوشش دهد، اما تفاوت میان «عمل سیاست رسانه‌ای» و «برخورد دو گانه با روایت‌ها» تفاوتی اساسی است.

وقتی یک دیدگاه بارها فرصت طرح پیدامی‌کند و دیدگاه دیگر، آن هم از زبان رئیس یکی از قوای کشور، در میانه راه متوقف می‌شود، این پرسش برای مخاطب شکل می‌گیرد که معیار انتخاب چیست؛ ملاحظاتی حرفه‌ای یا ملاحظاتی سیاسی؟ این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که بدانیم نسخه کامل سخنان حذف‌شده، ساعتی بعد در فضای مجازی منتشر شد و بخش زیادی از مخاطبان آن را خارج از قاب رسانه ملی دیدند.

در عصر شبکه‌های اجتماعی، سانسور دیگر به معنای جلوگیری از انتشار نیست؛ بلکه به معنای آن‌دست دادن سر مجیت رسانه‌ای است. مخاطبی که احساس کند روایت کامل را باید در جایی خارج از رسانه رسمی جست‌وجو کند، به تدریج اعتماد خود را به همان رسانه‌ها دست خواهد داد.

مساله قالیباف نیست؛ مساله اعتماد عمومی است

در این میان باید توجه داشت که موضوع اصلی، حق مردم برای دسترسی به اطلاعات و شنیدن روایت‌های مختلف درباره موضوعی است که به‌طور مستقیم با آینده سیاسی و اقتصادی کشور ارتباط دارد.

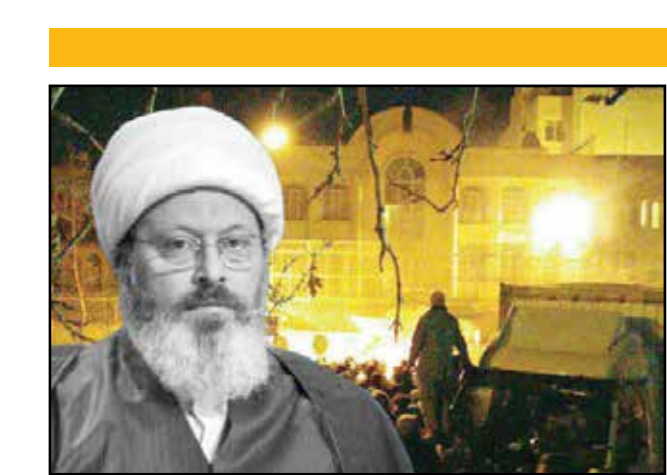
اگر سخنان رئیس مجلس نیازمند نقد است، بهترین پاسخ، ارائه نقد و گفت‌وگوی متقابل است، نه حذف آن از آنتن؛ و اگر روایت او ناقص یا نادرست تلقی می‌شود، راحل، عرضه روایت دیگر در برابر افکار عمومی است، نه محروم کردن مردم از شنیدن یک روایت.

رسانه‌های باید تنها یک صدرا یا بازتاب می‌دهد، در ویسازد مخاطبان خود را به رسانه‌های دیگر واگذار خواهد کرد؛ تجربه‌ای که در سال‌های اخیر نیز بارها درباره آن هتندار داده شده‌است.

قطع گفت‌وگوی ضبط‌شده رئیس مجلس، شاید در ظاهر تنها چند دقیقه از زمان یک برنامه تلویزیونی را حذف کرده‌امادر عمل، پرسش‌های بسیار بزرگ‌تری را پیش روی جامعه قرار داد؛ پرسش درباره مرزهای سانسور، نسبت رسانه ملی با جریان‌های مختلف سیاسی و مهم‌تر از همه، نسبت حاکمیت با حق مردم برای دانستن.

شاید مهم‌ترین پیام این ماجرا آن باشد که شکاف‌های سیاسی دیگر نتهدار جلسات غیر علنی یا محافل حزبی جریان نداد؛ نه این شکاف‌ها امروز تا قلب رسانه رسمی کشور پیش آمده‌اند و هنگامی که حتی رئیس یکی از قوای کشور نیز بی‌این بیان روایت خود با منابع روبرو می‌شود، دیگر نمی‌توان موضوع را تنها یک اختلاف رسانه‌ای یا یک سوءتفاهم مدیریتی دانست.

پرسش اصلی همچنان پابرجاست؛ مگر قالیباف چه گفت که مردم نباید آن را می‌شنیدند و اگر پاسخ این پرسش، فقط تفاوت در روایت یک موضوع ملی باشد، آنچه پیش از همین زمانند بازنگری است، نه سخنان گوینده، بلکه سازو کاری است که تصمیم می‌گیرد کدام روایت شنیده شود و کدام روایت پشت درهای اتاق تدوین باقی بماند.



سهمگین است و حتمان می‌فهمند فرستادن کودک خندان به مدرسه و تحویل گرفتن پیکر خونین او یعنی چه؟

این‌ها که اتفاقاً اقتصاد را خوب می‌فهمند، این راهم نایده می‌گیرند که وقتی کشور در محاصره باشد و نتوانی یک قطره نفت بفروشی و یک کانستینر غذا و دارو و بیابوری، چطور می‌خواهی کشور را اداره کنی و حتی حقوق سربخ کنار مندانند را بدی؟

تفکر طنز این‌ها که هم اکنون همسویی شان با اسرائیل، اظهار من الشمس است و در این مسیر، حتی از رهبری هم که داعش را دارند نمود عبور خواهند کرد؛ ایران را در آتش می‌خواهند و آتش با در جان کسی که چنین خواهد!